

اکنون در سرامیک، کاشی و سنگ ایران حرف برای گفتن دارد.

زمینه‌های زیادی برای اقتصاد می‌تواند وجود داشته باشد. اما مشکل اینجاست که ایرانی‌ها همان‌طور که درباره روسیه می‌نویسند و شناخت آنها به دوران تزار و اتحاد جماهیر شوروی برمی‌گردد و هر چه فحش می‌دهند به دوران تزار است اما با همان استدلال روابط امروز را تخریب و شبیه‌سازی می‌کنند. اقتصاد دولتی و خصوصی ایران همان‌طور که سیاست روسیه و روسیه نوین را کم می‌شناسد، اقتصاد روسیه را نیز کم می‌شناسد. فعالان اقتصادی قوی که وارد اقتصاد روسیه شده باشد، نداریم. بخشی از تاجار ما در روسیه کار می‌کنند و انسان‌های بسیار خوب و توانمند هستند اما محدودند. برخی که در روسیه درس خواندند یا درس خواندن و تحصیلات خود متوجه شدند گویی کار اقتصادی در روسیه بهتر است. اقتصاد روسیه برای مجموعه جریان اقتصادی بخش خصوصی و بخش دولتی ما ناشناخته است. باید اقتصاد روسیه را بشناسند که آیا اینک اکنون مقالاتی نوشته می‌شود که همه فحش‌ها در آن مربوط به زمان تزارهاست. امروز اقتصاد روسیه نیز مثل خود روسیه ناشناخته است.

به لحاظ فرهنگی ارتباطات ما بسیار ضعیف و رفت و آمدهای ما بسیار کم شده است. در داخل ایران وقتی درباره روسیه صحبت می‌کنید ذهنیت‌های یک سرزمین بسیار دور، سرد و سیبری به ذهن می‌رسد. اما در ذهن ملت ایران به محض اینکه درباره اروپا صحبت کنید همه آن را خیلی نزدیک می‌بینند. بخشی از این عدم معرفی به بخش فرهنگی برمی‌گردد. در گذشته زمان تزار رفت و آمدها بیشتر بود. در روسیه هم ایران خیلی شناخته شده نیست و ایران با ایراک یعنی عراق یکی می‌شود. در روسیه پرسیسکی به‌عنوان سرزمین فارس شناخته می‌شود. در بدنه روسیه هم ایران را خوب نمی‌شناسند، که اینک ما نیز روسیه را نمی‌شناسیم. دلیل عمده این است که در زمان کمونیسم عمدتاً راه‌ها بسته و رفت و آمدها کم شد. در زمان کمونیسم این سرزمین هم مخوف بود و هم غریبی‌ها خیلی تلاش کردند آن را مخوف نشان دهند. باید بدانیم ما و روس‌ها از دریچه غرب و دوربین غرب همدیگر را نمی‌شناسیم. ما به مدیریت قبلی و فعلی صداوسیما عرض کردیم که شما لطف کردید و این همه شبکه‌ها به زبان‌های مختلف ایجاد کردید که جای تقدیر و تشکر دارد. اما حدود ۳۰۰ میلیون نفر در حوزه نزدیک به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به روسی صحبت می‌کنند حال به‌عنوان زبان اول یا دوم خود و ما متأسفانه یک شبکه روسی زبان در داخل ایران نداریم که ایران را به روس‌ها معرفی کنیم. متقابلاً روس‌ها نیز شبکه فارسی زبان که بتواند روسیه و پتانسیل روسیه را به ایران معرفی کند، ندارند. از ناحیه غرب همیشه تلاش شده که این دو ملت دورنگه داشته شوند، حتی در ۴۰ سال گذشته نیز این تلاش‌ها انجام شد. درحالی که ما می‌توانیم با روسیه ارتباط اقتصادی خوبی داشته باشیم و منافع اقتصادی خودمان را ببریم.

■ **آیا مسائل بانکی و انتقال ارز بین دو کشور مانعی بر سر تجارت نیست؟ چگونه می‌توان این موانع را مرتفع کرد؟**

خوشبختانه مسائل بانکی و انتقال پول اکنون مانعی بر سر تجارت نیست. ما بخش زیادی از تجارت خود را از طریق ارزهای ملی دو طرف مبادله می‌کنیم. ما کارگروه پولی و بانکی داریم و در این خصوص داریم کار انجام می‌دهیم. عمدتاً تلاش ما بر این است که از سیستم‌های داخلی خود کارهایمان را انجام دهیم. نمی‌خواهیم بگویم اصلاً مشکلی نداریم اما نسبت به سایر کشورهای دنیا مشکل ما بسیار کمتر است. کارگروه‌های پولی و بانکی ما بسیار فعال هستند و نشست‌هایی به‌صورت منظم برگزار می‌کنیم. تلاش دو طرف این است که این مسائل را بتوانیم با همدیگر حل و فصل کنیم.

■ **ایران چقدر ظرفیت صادرات به روسیه دارد؟ ظرفیت‌ها کجاست و موانع کجاست؟**

ظرفیت بالقوه ما برای صادرات به روسیه بسیار زیاد است. ظرفیت‌های ما در محصولات باغی، کشاورزی، صیفی جات و سبزیجات، ماهی، میگو و خشکبار برای صادرات زیاد است. اما به ابتکار وزارت امور خارجه و با پشتوانه ریاست محترم جمهور همایش سفیرها در ایران برگزار شد که کشورهای همسایه و چند کشور مهم بودند و مباحث مهم و خوبی در آنجا مطرح شد. همین همایش و مسائلی که سفیرها و مسئولان مطرح کردند اگر به شکل یک دستور کار دربیاید و پیگیری شود بخشی از مشکلات برطرف می‌شود. در کشور، وزیر محترم اقتصاد که به همایش تشریف آوردند فرمودند که حدود ۲۵ سازمان در صادرات کشور نقش دارند. اگر قرار باشد یک صادرکننده با ۲۵ سازمان هماهنگ کند که کالایش را صادر

کند مشخص است که مشکلات زیادی برای او وجود دارد. اولین کار این است که یک قرارگاه واحد و یک مرکز فرماندهی ثابت برای صادرات ایجاد کنیم و نگذاریم صادرکننده ما بین نهادهای مختلف در داخل کشور پاسکاری شود. این کار نیازمند یک اراده و مدیریت جدی است. فکر می‌کنم باید در داخل دولت یک هماهنگی جدی انجام شود و یک فرماندهی واحد برای صادرات در داخل کشور داشته باشیم و صادرکننده را تشویق کنیم.

ما تاکنون در کل واردات محور بودیم. ما نفت می‌فروختیم و کالاهای خود را از دیگر کشورها وارد می‌کردیم. لذا مسیر ایران برای واردکننده تقریباً سهل‌تر از صادرکننده است. ما برای صادرکننده این تسهیلات را ایجاد نکردیم. به صادرکننده می‌گویند وقتی کالایی صادر کردی باید در یک بازاری به نام بازار نیمایی ارز خودت را به ما بفروشی. در اینجا صادرکننده را تشویق می‌کنیم که ارز خودش را به داخل کشور نیاورد. من آن زمان که این تصمیم گرفته شد نماینده مجلس بودم و می‌دانم پشت صحنه این داستان چه بود. اساساً برای شرکت‌های پتروشیمی بود که اینها از سوخت و یارانه سوخت استفاده می‌کردند. شاید انگیزه برخی از آنها برای بازگرداندن ارزهای خود کم بود. با توجه به یارانه سوختی که استفاده می‌کردند تصمیم گرفته شد ارز آنها با قیمت کمتری خرید شود. این کار شاید برای شرکت‌های پتروشیمی امر درستی باشد اما شاید برای کسی که کشمش، خرما، سنگ، سرامیک، کاشی صادر می‌کند اولاً باید پولش را برگرداند چون اگر پولش را دوباره برگرداند در غیر این صورت تاجر نیست و تجارت اوتام می‌شود. ثانیاً اینکه عمده‌کسانی که در بیرون سرمایه‌گذاری کردند تاجر نیستند و دیگران هستند. برای مثال در ترکیه خانه خریدند. مطلب این است که چه وجه شرعی و عقلی وجود دارد که ما از یک صادرکننده را کمتر بخریم. خود ما که کارگزار جمهوری اسلامی ایران هستیم اگر ارزی داشته باشیم تلاش می‌کنیم در بازاری که قیمت بیشتری داشته باشد آن را بفروشیم. پس چطور به یک صادرکننده و تاجر فشار می‌آورید که ارز خود را به این بانک بیاورید. از بانک مرکزی و دیگر جاها پاسخ‌هایی دادند که ما بازار متشکل پولی درست کردیم و اینها می‌توانند با واردکننده وارد معامله شده شده و ارز خود را به او بدهد. در اینجا این نگاه ما تشویق صادرکننده نیست. صادرکننده را نیز حتی برای ارز خود به زحمت می‌اندازیم که کلی به زحمت بیفتد و کسی را پیدا کند که ارز خود را به او بدهد و بعد در بانک مرکزی گواهی بدهد که ارز خود را به فرد دیگر داده و آن فرد مثلاً با این ارز می‌خواهد موبایل وارد کند. اگر ما بخواهیم کار جدی ایجاد کنیم باید قرارگاه مذکور را ایجاد کنیم و موانع تجارت را که یکی از آنها همین است برداریم. در این صورت چون اینها وارد بازار می‌شوند که ارز را تبدیل کنند، بازار رونق می‌گیرد. امسال تا اینجا رقم بسیار خوبی ارز از صادرات ناشی از کالاهای غیرنفتی داشتیم و ان‌شاءالله افزایش نیز خواهیم داشت. اکنون حجم صادرات به روسیه بالاتر از این رقم رسمی و گمرکی ما است. چون خصوصاً در حوزه پسته، خرما و خشکبار گمرک ما قیمت پایه را از قیمتی می‌گیرد که از قیمت گمرک روسیه پایین‌تر است. در نتیجه مالیات ارزش افزوده‌ای که دوستان ما به ایران می‌دهند متناسب با این قیمت پایه است. هنگامی که این کالا می‌خواهد به روسیه وارد شود، روسیه قیمت پایه را بالاتر می‌گیرد. لذا رقم مالیات بر ارزش افزوده نیز بالاتر است. تاجر که عمدتاً تاجر ایرانی نیز نیستند از طریق قزاقستان که قیمت پایه آنها پایین است با قیمت پایه پایین قیمت‌گذاری می‌کنند. لذا مالیات بر ارزش افزوده کمتر است و کالا رقابتی‌تر وارد می‌شود. وقتی کالا وارد قزاقستان می‌شود نه به‌عنوان کالای ایرانی بلکه به‌عنوان کالای قزاقی وارد روسیه می‌شود. اینجا یک ضرر برای روس‌ها و دو ضرر برای ما دارد. ضرر برای روس‌ها این است که از همین حداقل مالیات ارزش افزوده‌ای که می‌توانند با تعادل در قیمت پایه ایجاد کنند خود را محروم می‌کنند که ما این را با طرف‌های روس گفت‌وگو می‌کنیم.

یک ضرر آن برای ما این است که آمار گمرکی و صادراتی ما به روسیه خود را پایین نشان می‌دهد در حالی که این آمار واقعی نیست. ضرر دیگر که ضرر واقعی است اینک ما نمی‌توانیم به‌عنوان کالای ایرانی یا فروشگاه‌های زنجیره‌ای روس کار کنیم. در نتیجه این موجب می‌شود کالای ما به شکل فله‌ای وارد شود و به شکل فله‌ای نیز در برخی از فروشگاه‌های عمده روس اما نه فروشگاه‌های زنجیره‌ای به فروش می‌رسد. اگر ما مسیر درست وارد شویم به نوعی کار سیاه انجام می‌شود که به ضرر تاجر است. ما می‌توانیم با فروشگاه‌های زنجیره‌ای روسی ارتباط داشته باشیم و کالاهایمان را در آنجا عرضه کنیم.

مطلب دیگر این است که ما به لحاظ گمرکات نیز ضعیف هستیم و باید آنها را تجهیز و مجهز به ابزارهای نوین کنیم و با سرعت بتوانند کالاها را ترخیص کنند. ما در تجارت با روسیه دو مرز داریم. ایران با روسیه مرز خاکی ندارد و باید از کشورهای واسط استفاده کنیم چون این کشورها نیز در همین کالاها رقیب ما هستند پس طبعاً در این خصوص نیز موانعی وجود دارد. راه حل این است که ما به مزیت ذاتی خود که مرزهای آبی است تکیه کنیم. مرزهای دریایی الزامات خود را دارد، باید تجهیز و به راه‌آهن وصل شوند و کشتی رورو داشته باشیم. ما اکنون یک کشتی رورونیز در داخل دریای خزر داریم و با این وضعیت نمی‌شود صادرات افزایش پیدا کند. صادرات و واردات یک کار دستوری نیست که از بالا دستور دهیم و در پایین اجرا شود. باید به لحاظ تجهیزات و امکانات تلاش کنیم. اکنون شرکت‌هایی که به لحاظ ترانزیت قوی باشند در داخل ایران نداریم و به حجم اقتصاد روسیه شرکت‌های بزرگی که با شرکت‌های روسی کار کنند نداریم. باید اینها را تقویت کنیم مثلاً در بخش مسیر خوب ما که آبی است ما می‌توانیم این مسیر را درست کنیم. باید مسیر را تجهیز کنیم و راه‌آهن به بنادر خصوصاً بندر امیرآباد، کاسپین و انزلی وصل شود. وقتی بنادر وصل شود باید جراثیل‌های بزرگی وجود داشته باشد که هم‌زمان بتوانند واگن‌های قطار را در داخل کشتی قرار دهند و کشتی نیز ابزارهای خاص خودش را نیاز دارد. از طرف دیگر در بنادر روسیه نیز باید این تجهیزات وجود داشته باشد که بلافاصله اینها بتوانند در مسیر خط آهن قرار بگیرند. اگر بار می‌خواهد با کامیون حمل شود باید هم اسکله‌های ورود کامیون‌ها به داخل کشتی را داشته باشیم و هم کشتی‌های رورو داشته باشیم که بتوانند اینها را با سرعت حمل کنند و به شمال دریای خزر و کشور روسیه منتقل کنند. از طرف دیگر روی مرز زمینی کار کنیم. در مرز زمینی نیازمند این هستیم که با کشورهای واسط روابط متناسبی داشته باشیم و با آنها به فرمول‌هایی برای بحث اقتصاد و ترانزیت برسیم و بتوانیم از آن بخوبی بهره‌برداری و استفاده کنیم. در بحث خشکبار که به قزاقستان می‌رود دو کشور باید زودتر مفاهمه کنند. ما پیگیر این هستیم که سفر وزیر محترم اقتصاد و رئیس جدید کل گمرک به روسیه انجام شود و بتوانند تفاهم کنند و مشکلات این مسیر را بردارند.

ما باید از امتیاز کریدور سبز از داخل روسیه استفاده کنیم ولی لازمه آن این است که شرکت‌های بزرگ کار کنند. اکنون به شکل شرکت‌های بسیار خرد با روسیه کار می‌کنیم و روس‌ها به اینها کریدور سبز نمی‌دهند. کریدور سبز به این معناست که با لحاظ تشریفات عبور با سرعت بیشتری انجام می‌شود. در اصل به لحاظ اقتصادی یک کمک مؤثری که یک معافیت خاص بدهند نیست اما چون کالا با سرعت از گمرک خارج می‌شود کل آن به لحاظ اقتصادی می‌تواند به نفع تاجر باشد.

■ **آیا نگاه روسیه به ایران مثبت است؟ نظری روسی‌ها درباره تعامل چیست؟ نگاهش به دولت سیزدهم چگونه است؟ اصلاً دلیل دعوت پوتین از آقای رئیسی چه بوده است؟**

اصولاً نگاه روسیه نوین به ایران و جمهوری اسلامی ایران نگاه مثبتی است. اما همه در سیاست خارجی به دنبال منافع خود هستند طبعاً روس‌ها و ما نیز از این قاعده مستثنی نیستیم. اکنون رویکردهای ما به هم نزدیک شده است که نگاه‌های ما به یکدیگر دچار تحول شود. نگاه به دولت سیزدهم در روسیه و دولتمردان روسیه مثبت است. در طلیعه این دولت بود که با نگاه مثبت روسیه تلاش کرد ایران عضو اتحادیه شانگهای شود. من در روسیه هشتم سال گذشته که روس‌ها رئیس شانگهای بودند و در اجلاس شانگهای که در مسکو برگزار شد ما تلاش‌های خیلی زیادی کردیم که بتوانیم در آن زمان عضو شویم. در آن زمان دلایلی برای عدم عضویت ایران مطرح می‌شد ولی روس‌ها این بار با سرعت این عضویت را پذیرفتند. تعبیر من این است که روس‌ها با این پذیرش به دنبال خوش آمد گویی به دولت ایران بودند. دعوت آقای پوتین از آقای رئیسی طبعاً برای این بود که دو رئیس جمهور در دوشنبه در اجلاس شانگهای ملاقات کنند. اما چون یکی از نزدیکان و محافظان ایشان دچار کرونا شده بود از رفتن به دوشنبه استنکاف کردند و تلفنی از رئیس جمهور محترم عذرخواهی کردند و گفتند که در آینده نزدیک همدیگر را خواهند دید. طبیعی است چون دولت مادر آغازین ماه‌های خود قرار دارد بهترین کار استفاده از این فرصت بود که دارد انجام می‌شود و روابط بین دو کشور بتواند مرور شود. اینکه این روابط بتواند از یک قدرت و قوت با برنامه‌ریزی دقیق‌تر و درست‌تر عمل شود. لذا فکر می‌کنم این سفر در زمان بسیار مناسبی انجام می‌شود و سفر بسیار مهمی است. گفت‌وگوهای دو رئیس جمهور می‌تواند نقطه عطفی در روابط دو کشور باشد.



ویژه‌نامه سفر رئیس‌جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰